

## عنوان مقاله:

نقد ادله مخالفین علم دینی

## محل انتشار:

دومین کنگره ملی علوم انسانی (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

## نویسنده:

سیدمحمدتقی موحدابطحی

## خلاصه مقاله:

امروزه ایده تولید علم دینی، به خصوص علوم انسانی اسلامی، در جهان اسلام ایده ای کاملاً شناخته شده است. این ایده پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به خصوص در سالهای اخیر در ایران مورد بحث و گفتگوهای بسیار قرار گرفته است. با وجود گرایش بسیاری که نسبت به این ایده در جامعه بوجود آمده است و شواهد آن را می توان در نشر روز افزون کتب و مقالات و همچنین طرح پایان نامه های دانشجویی در مقطع کارشناسیاریش و دکتری در زمینه علم دینی ملاحظه کرد، اما این ایده با مخالفت سرسختانه تنی چند از اساتید ایرانی از جمله دکتر عبدالکریم سروش، دکتر علی پایا، استاد مصطفی ملکیان و ... نیز روبروست. از این رو لازم است کسانی که در حوزه تولید علم دینی تلاش می کنند، فعالیت های خود را در زمین ههای مختلف زیر هماهنگ سازند: 1. نقد مبنایی و بنایی دیدگاه مخالفین علم دینی؛ 2. اثبات مبنایی و پیش فرضهای دیدگاه خود؛ 3. نقادی نظریه های علمی موجود؛ 4. ارائه نظریه های علمی جدید بر پایه معارف اسلامی در این مقاله به بحث و بررسی درباره ادله مخالفین علم دینی می پردازیم، تا مشخص شود به چه میزان ایده علم دینی در مواجهه با نقدهای انجام شده، پیش رفته است و در چه بخشهایی نیاز به کار بیشتری وجود دارد. مخالفین علم دینی بر این باورند: 1. تولید علم دینی ضرورتی ندارد، چرا که: 1.1. هنوز به روشنی نمی دانیم که مشکل ما دینداران/مسلمانان با علوم موجود چیست؟ 1.2. اگر هدف از تولید علم دینی رفع نواقص علوم موجود است، این کار در چارچوب کنونی تحولات علمی قابل انجام و در دست انجام است. 1.3. اگر هدف از تولید علم دینی رفع تعارض علم و دین است، این تعارض به گونه های دیگر نیز قابل رفع است. 2. تولید علم دینی امکان ندارد، چرا که: 2.1. گزاره هایی که مطمئن باشیم از جانب خدا یا پیامبر به ما رسیده و قابلیت تفاسیر متعدد نداشته باشند و ناظر به احکام و مسائل هر یک از علوم باشند، بسیار اندک هستند. 2.2. نظریه هایی که از غیر این طریق به دست آیند را نمی توان اسلامی نامید. 2.3. از معارف اسلامی می توان در مقام کشف نظریه های علمی استفاده کرد، اما برای آنکه بتوان از علمی بودن نظریه هایی که به این طریق به دست می آیند در جامعه بین المللی دفاع کرد، باید به روشهایی که جامعه علمی از آن استفاده می کند پایبند بود. پایبندی به این روشها به نظریه های منتهی می شود که محتوای تجربی آن مستقل از پیش فرض هایش خواهند بود. 3. تولید علم دینی مطلوب نیست، چرا که: 3.1. این ایده به لحاظ تاریخی سابقه درخشانی ندارد. 3.2. وقتی نظریه ای متصف به دینی بودن شد، نمی توان آن را آزادانه مورد نقد و بررسی قرار داد. 3.3. شکست نظریه ای که متصف به دینی بودن است، باعث کم شدن اعتقاد به باورهای دینی می شود. 4. و در نهایت تلاش برای تولید علم دینی اخلاقی نیست. در ادامه به بحث و بررسی عناوین فوق خواهیم پرداخت

## کلمات کلیدی:

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/440392>

